

تعارضات خواهر- برادری، جنسیت و الگوهای فرزندپروری در دانش‌آموزان

صادق حسن نیا^۱

کیومرث فرح‌بخش^۲

هادی کرم‌رازی^۳

یونس دوستیان^۴

شبنم وازپور^۵

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱/۱۴

تاریخ وصول: ۹۳/۱۱/۱۰

چکیده

تعارض بین خواهر و برادرها یکی از متداول‌ترین اشکال پرخاشگری در خانواده‌ها است. در این پژوهش شیوه فرزندپروری به عنوان کارکرد کنترلی والدین و جنسیت به عنوان یکی از عوامل تعیین‌کننده الگوی رفتاری والدین نسبت به کودکان در رابطه با تعارض‌های خواهر و برادری مورد بررسی قرار گرفت. این پژوهش از نوع همبستگی و جامعه آماری آن شامل کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع راهنمایی، شهرستان رباط کریم در سال تحصیلی ۹۰-۹۱ بود که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای تعداد ۱۲۴ دانش‌آموز به همراه خانواده‌های ایشان انتخاب شد. داده‌ها از طریق پرسشنامه‌های، رابطه با خواهر و رابطه با برادر (IBR و RIS)، سبک‌های فرزندپروری بامرید و یک پرسشنامه جمعیت شناختی جمع‌آوری شد. نتایج همبستگی نشان داد که تعارضات خواهر- برادری با شیوه‌های فرزندپروری اقتداری،

۱- نویسنده مسئول: دانشجوی دکترا مشاوره خانواده، دانشگاه علامه طباطبائی - تهران. sadeghhasannia@gmail.com

۲- دانشیار گروه مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی - تهران

۳- کارشناس ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه علامه طباطبائی - تهران

۴- دانشجوی دکترا مشاوره توانبخشی، دانشگاه علوم بهزیستی - تهران

۵- کارشناس ارشد مشاوره تحصیلی، دانشگاه علامه طباطبائی - تهران

سخت‌گیرانه پدر و مادر رابطه‌ی معکوس دارد اما با فرزندپروری سهل‌گیرانه رابطه‌ی معناداری ندارد. براساس تحلیل رگرسیون گام به گام فرزندپروری اقتداری پدر و مادر قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های شدت تعارضات بین هم‌شیرها هستند؛ دختران بیشتر از پسران هم‌اختلاف با خواهر و هم‌اختلاف با برادران خود را گزارش دادند. همچنین نتایج نشان می‌دهد که پسران بیشتر اختلاف با برادران کوچک‌تر و دختران بیشتر اختلاف با برادران بزرگ‌تر و خواهران کوچک‌تر از خود را گزارش داده‌اند. مطابق یافته‌های بالا الگوهای فرزندپروری والدین و جنسیت کودکان در پیش‌بینی شدت اختلاف و درگیری بین هم‌شیرها مؤثر است.

واژگان کلیدی: تعارض‌های خواهر-برادری^۱، جنسیت^۲، الگوهای فرزندپروری^۳.

مقدمه

تعارضات بین خواهر و برادرها یک مسئله تکراری و از متداول‌ترین اشکال پرخاشگری در خانواده‌هاست (الیدج^۴، ۲۰۱۰). منظور از این گونه تعارضات، اختلاف و درگیری بین فرزندان است؛ اعم از نمونه‌های آشکار درگیری همچون کلامی، رفتاری و نمونه‌های غیر آشکار همچون حسادت، رقابت و غیره؛ به گونه‌ای که منجر به آشفتگی در روابط اعضای خانواده شود. تبیین‌های مختلفی در خصوص عوامل زمینه‌ساز تنش بین کودکان یک خانواده وجود دارد. کندی^۵ (۲۰۰۵) در ریشه‌یابی تعارض هم‌شیره‌ها به حس حسادت بین کودکان اشاره دارد. او حسادت را یک عاطفه‌ی طبیعی در دوره‌ی پیش‌دبستانی می‌داند. هر چیز که باعث شود کودک، محور و مرکز توجه دیگران نباشد می‌تواند حسادت او را برانگیزاند. والدین با رفتارهایی از قبیل مقایسه‌ی کودک با دیگر بچه‌ها، تبعیض بین فرزندان و یا سرزنش ممکن است واکنش حسادت را در کودک به وجود آورند. خودپسندی واقعی نیز از دیگر

-
1. Sibling
 2. Gender
 3. Child raising patterns
 4. Elledge
 5. kenedy

ویژگی‌های اصلی کودکان در دو سال اولیه زندگی است؛ کودک در این دوره خود را در مرکز دنیا می‌بیند و قادر نیست احساسات دیگران و مفهوم شریک شدن را به درستی درک کند. در این دوره کودک چیزی را که به عنوان مانعی برای رسیدن به خواسته‌های خود ببیند رقیب شمرده و با آن رقابت می‌کند. به تدریج و با افزایش سن و تعاملات اجتماعی، از میزان خودمحوری کودکان کاسته می‌شود و بهتر می‌توانند با دیگر کودکان ارتباط برقرار سازند (کندی، ترجمه شم بیاتی، ۱۳۸۶). اسپانگین نیز معتقد است که، ریشه رقابت همشیره‌ها مقایسه کردن است. وقتی کودکی بر این باور است که برادر یا خواهر توانایی بیشتری دارد یا بهتر از او می‌تواند رضایت والدین را جلب کند، برای جلب توجه والدین و برانگیختن تحسین آنان دست به رقابت می‌زند و به تدریج از همشیره‌های خود متنفر می‌شود (اسپانگین و ریچاردسون، ترجمه رئیسی توسی، ۱۳۸۶).

دریکورس^۲ (۲۰۰۰) نیز علت اصلی بسیاری از اختلافات بین کودکان را مبارزه بر سر کسب قدرت می‌داند. کسانی که با هم برابر هستند نیازی ندارند که از اختلاف به عنوان فرصتی برای بدست آوردن برتری استفاده کنند. اما هنگامی که مقام و موقعیت شخصی توسط دیگری مورد تهدید قرار می‌گیرد کشمکش به صورت مبارزه برای کسب قدرت در می‌آید و شخص درصدد بازیابی مقام از دست رفته‌ی خود است. در صورتی که والدین علیرغم وجود تفاوت‌های کودکان بین آنها تبعیض و تفاوت قائل شوند؛ این امر زمینه‌ساز ناسازگاری و مشکل در روابط برای هر دو کودک می‌شود (دریکورس، ترجمه توتونچیان، ۱۳۸۸). بهشتیان (۱۳۸۸) نیز اختلاف بین کودکان را ناشی از حس حسادت بین آنها می‌داند. حسادت در کودکان زمانی به وجود می‌آید که کودک احساس کند که برای کسب توجه و رفع نیازهایش توسط والدین رقیبی پیدا کرده است. حسادت در کودکان از اوایل ۱۵ ماهگی شروع و به تدریج بر میزان و شدت آن افزوده می‌شود. اوج حسادت در سنین بین ۲ تا ۴ سالگی است،

-
1. Spangin & Richardson
 2. Dreikurs

عمدتاً حسادت کودک پس از ۵ سالگی کم می‌شود چون در این سن میزان تعاملات کودک بیشتر شده؛ به علاوه مهارت‌های شناختی کسب می‌کند، بنابراین می‌توان این گونه استنباط نمود که تعارض و درگیری بین کودکان در سنین اولیه به شکلی خفیف، امریست طبیعی که به تدریج از شدت آن کاسته می‌شود.

به اعتقاد متخصصان تربیتی رفتار نابهنجار کودکان بیشتر نشانه‌ای از اختلال در تعاملات خانواده است و نباید صرفاً حاصل وضعیت فردی معرفی نمود. خانواده در عملکرد خود به عنوان یک نظام اجتماعی باعث می‌شود که اعمال و رفتار مطلوب و نامطلوب هر یک از اعضای بر دیگری تأثیر گذاشته و از آن تأثیر پذیرد (نوابی‌نژاد و همکاران، ۱۳۷۷). بی‌عدالتی و تبعیض بین فرزندان، مقایسه آن‌ها با دیگران و نادیده گرفتن تفاوت‌های فردی آن‌ها، اعمال شیوه‌هایی همچون تنبیه، از جمله واکنش منفی و نادرست والدین به این شرایط است که باعث تشدید و در مواردی تشییت رقابت و حسادت بین فرزندان می‌شود.

خانواده اولین و مهم‌ترین نهادی است که افراد به شکل معمول در آن با شیوه‌های زندگی جمعی، تفاهم و سازگاری با دیگران آشنا می‌گردند. سلامت روانی کودکان به طور عمده نتیجه‌ی تربیت و پرورش آن‌هاست. در حال حاضر برآورد همه‌گیر شناختی مؤید این نکته می‌باشد که خانواده‌ی نابهنجار علت اصلی ایجاد مشکلات هیجانی و رفتاری است. حجم انبوهی از پیشینه‌های پژوهشی بر خانواده به عنوان عامل پیش‌بینی کننده مشکلات رفتاری کودکان و نوجوانان تمرکز یافته است. در این میان تربیت و فرزندپروری والدین، یکی از مهم‌ترین عوامل تحول و پایداری مشکلات رفتاری فرزندان قلمداد می‌شود (گالارین و آلونسو اریبول، ۲۰۱۲، لعی فاز و عسکری، ۱۳۷۸ و لطفی عظیمی، ۱۳۸۹).

چنانچه گفته شد حسادت و درگیری بین کودکان در یک دوره‌ی سنی معین امری طبیعی در هر خانواده است که با گذشت زمان و مداخله‌ی صحیح والدین اصلاح پذیر است. آنچه در این رابطه مهم‌تر جلوه می‌کند واکنش والدین به این موضوع است که بر تداوم و حتی شدت

اختلافات نسبت به خواهر و برادرها، نقش محوری دارد. والدین راهکارهای متفاوتی را برای مدیریت تعارضات کودکان به کار می‌برند. والدین در درجه‌ی اول سعی می‌کنند جلوی تعارض و درگیری‌های کودکان را گرفته و به آن‌ها پند و اندرز دهند و گاهی اوقات هر دو کودک را تنبیه و جریمه می‌کنند. پاسخ والدین به تعارض کودکان به شدت این اختلافات بستگی دارد (رسچیا^۱، ۲۰۰۹). به عقیده پاترسون^۲ (۲۰۰۲) رابطه والدین با فرزندان نقش اساسی در چگونگی ارتباط فرزندان با خواهر و برادرهایش دارد. تعارضات بین والدین و فرزندان نیز از عواملی است که می‌تواند زمینه ساز سرایت تعارضات خانوادگی در روابط بین همشیره‌ها شود. بررسی‌های رایس وبر^۳ (۲۰۰۰) نشان داد که تعارض‌های والدین با فرزندان- پدر با نوجوان و مادر با نوجوان بر شدت تعارض‌های بین خواهر و برادرها مؤثر است. بنابراین رابطه والدین با فرزندان و سایر اعضای خانواده را می‌توان به عنوان نظام یا شبکه‌ای دانست که در کنش متقابل با یکدیگر هستند این نظام به طور مستقیم و غیرمستقیم، از طریق الگوهای فرزندپروری والدین بر کودکان تأثیر می‌گذارد. در این پژوهش نیز شیوه‌ی فرزندپروری به عنوان کارکرد کنترلی والدین و یکی از عوامل تعیین‌کننده‌ی الگوی رفتاری کودکان در ارتباط با مسئله پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الگوهای فرزندپروری والدین بنا به نتایج پژوهش‌های مختلف با متغیرهای گوناگونی در ارتباط است از جمله می‌توان به، پختگی قضاوت‌های اخلاقی فرزندان (بویز و آلن^۴، ۱۹۹۳)، مهارت‌های اجتماعی و پختگی در تعامل (روپنارین، کریشنا کومار، دوگان و اوانس^۵، ۲۰۰۶)، سلامت روانی فرزندان (دوایری و منشار^۶، ۲۰۰۶؛ زهرا کار، ۱۳۸۷)، رفتار پرخطر نوجوانان

-
1. Recchia
 2. Patterson
 3. Rreese- Weber
 4. Boyes & Allen
 5. Roopnarine , Krishnakumar, Dogan & Evans
 6. dwairy & menshar.

(کتورا^۱، ۲۰۰۸)، اختلالات شخصیت (چایب و لوری، ۲۰۰۸^۲)، اضطراب (گستل، لگرزتی و السون^۳، ۲۰۰۹)، افسردگی و تاب‌آوری (تزویر و زهید^۴، ۲۰۰۹)، خشونت (لاو، شاپکا، و السون^۵، ۲۰۱۰ و کارمان، هاسا، توجیل، آکن، دکویس، ۲۰۱۰)، پرخاشگری در رابطه بین کودکان و نوجوانان (کاواباتا، لنک، تسنگ، مارینوس، ایجزندور و کریک^۶، ۲۰۱۱)، اختلالات سلوک در نوجوانان (رضائیان و همکاران، ۱۳۸۵)، احساس تنهایی (لعی فاز و عسکری، ۱۳۸۷)، خودپنداره و مکان کنترل کودکان (پورعبدلی، کدیور و همایونی، ۱۳۷۸)، سازگاری اجتماعی (نوابخش و فتیحی، ۱۳۸۸) و مباحثه طلبی (احمدی، پاکدامن و حیدری، ۱۳۹۰) اشاره نمود.

هوور، اوتن، ویرس، و انگلس^۷ (۲۰۱۰) الگوهای فرزندپروری را مجموعه‌ای از رفتارهایی تعریف می‌کند که تعیین‌کننده ارتباطات متقابل والد-فرزند در موقعیت‌های متفاوت و گسترده‌ای است، و این گونه فرض می‌شود که موجب ایجاد یک فضای تعاملی گسترده می‌گردد. بامریند^۸ (۱۹۹۱) در نام‌گذاری سبک‌های فرزندپروری از نام‌های مستبد، مقتدر، و سهل‌گیر استفاده کرد. براساس نظریه بامریند، سبک‌های فرزندپروری به عنوان واسطه‌ی متغیرهای هنجاری و جامعه‌پذیری کودکان عمل می‌کند. والدین مقتدر مقررات سختی را برای فرزندانشان وضع می‌کنند و در اجرای آن‌ها پافشاری دارند. این والدین فرزندان را به استقلال تشویق می‌کنند، آن‌ها را هدایت و کنترل نموده، با استدلال منظور خود را برای فرزندان بیان می‌کنند و فرزندان را در دست‌یابی به اهدافی که خود برای آن‌ها تعیین کرده‌اند، یاری می‌رسانند. والدین سهل‌گیر به فرزندانشان بیش از حد توجه می‌کنند و از آن‌ها انتظارات

1. Catuara
2. Lori and Chaib
3. Gastel, Legerstee & Ferdinand
4. Tazvin Zahid.
5. Law, Shapka, & Olson
6. Kavabata, Lenneke, Tseng, Marinus, Ijzendoorn, Crick
7. Huver, R.M.E. Otten, R. De Vries, H. Engels, R.C.M.E.
8. Bamrind, D

کمی دارند. این والدین اغلب به فرزندان آزادی و اختیار زیادی می‌دهند ولی اهداف و انتظارات روشنی برای آنان ترسیم نمی‌کنند. والدین مستبد انتظار بسیار بالایی از فرزندان خود دارند و در ارتباط با فرزندان عواطف اندکی نشان می‌دهند. این والدین لزومی به ارائه‌ی دلیل برای دستورات خود نمی‌بینند و بر اطاعت و احترام بی‌چون و چرای فرزندان تأکید دارند.

نتایج پژوهش‌های کاواباتا و همکاران (۲۰۱۱) نشان می‌دهد که سبک والدینی حمایت‌کننده و گرم با رابطه‌ی مثبت بین فرزندان در خانواده در ارتباط است. نوابخش و فتحی (۱۳۹۰) در مطالعه‌ی ارتباط شیوه‌های فرزندپروری و سازگاری اجتماعی نوجوانان نشان دادند که کودکانی که با سبک فرزندپروری مقتدرانه بزرگ شده‌اند به طور معناداری سازگاری اجتماعی بیشتری در ارتباط با محیط نشان می‌دهند؛ پاترسون^۱ (۲۰۰۲) و بلینگ و بلسکی^۲ (۱۹۹۲) نیز در پژوهش خود نشان دادند که شیوه‌ی فرزندپروری سخت‌گیرانه با کیفیت پایین رابطه فرزندان ارتباط دارد. رفتار و سبک فرزندپروری خشونت‌آمیز والدین باعث افزایش میزان پرخاشگری در روابط کودکان می‌شود (کارمان، هاوس، تویجل، آکن و دکوویس^۳، ۲۰۱۰). پژوهش اوکین، فریک و بودین^۴ (۲۰۰۶) حاکی از آن است که تنبیه فیزیکی کودکان منجر به ایجاد مشکلات رفتاری و هیجانی در کودکان می‌شود. فار^۵ (۲۰۰۰) کسانی که فرزندان خود را به خاطر درگیری با خواهر و برادرانشان تنبیه می‌کنند یا از تکنیک‌های استبدادی استفاده می‌کنند به نظر می‌رسد که این الگوی برخورد موجب تشدید تعارض‌های موجود در بین فرزندان می‌شوند. از سوی دیگر اجازه دادن به خود فرزندان برای رفع تعارضات و کنار آمدن با هم نیای خود، به پرورش روابط نزدیک کودکان کمک می‌کند. همچنین بهترین شاخص

-
1. Patterson
 2. Voling & Belsky
 3. Karreman, Haas, Tuijl, Aken, & Dekovic
 4. Aucoin, Frick & Bodin
 5. Farah

پیش‌بینی رابطه‌ی خواهر و برادری را مقدار زمانی می‌داند که والدین با فرزندان خود صرف می‌کنند.

عوامل مختلفی با دعوی بین خواهر و برادرها در ارتباط است. والزر^۱ (۱۹۹۷) جنسیت را یکی از فاکتورهای کلیدی در روابط بین هم‌نیاها معرفی می‌کند. به اعتقاد کانیدیس^۲ (۱۹۸۹) دخترها بیشتر از پسرها احساسات خود را در روابط بروز می‌دهند. پسر بچه‌هایی که خواهر بزرگ‌تر دارند در مقایسه با پسر بچه‌هایی که برادر بزرگ‌تر دارند کمتر پرخاشگراند و رفتار ملایم‌تری دارند (بریم^۳، ۱۹۵۸؛ کوخ^۴، ۱۹۶۰). چاین لیو^۵ (۲۰۰۶) نیز در پژوهش خود بین جنسیت و میزان تعارضات خواهر- برادری رابطه‌ی معنادار مشاهده نمود. نتایج نشان دادند که تعارضات بین برادر با برادر و برادر با خواهر، فراوانی و شدت بیشتری نسبت به تعارضات بین دو خواهر دارد. در ارتباط بین جنسیت و تعارضات بین کودکان نیز والدین عاملی تأثیرگذاراند. والدین در درگیری بین کودکان بیشتر با فرزندان بزرگ‌تر برخورد می‌کنند و به احتمال قوی فرزندان پسر را به خاطر درگیری با خواهرانشان تنبیه می‌کنند، تنبیه والدین که با هدف کاهش درگیری‌ها اعمال است، خود منجر به افزایش اختلاف‌های بین کودکان می‌شود. همچنین نتایج نشان داد که پرخاشگری علیه خواهر و برادرها زمانی شایع‌تر است که تفاوت سنی بین آن‌ها سه یا کمتر از سه سال باشد. دختران بیشتر با پسران اختلاف دارند و درگیری فیزیکی بین کودکان هم جنس بیشتر اتفاق می‌افتد. پسران در مقایسه با دختران از درگیری‌های فیزیکی بیشتر از دختران استفاده می‌کنند و دختران بیشتر به صورت لفظی درگیر می‌شوند، به ویژه زمانی که با برادران خود تعارض داشته باشند کمتر از الگوی فیزیکی استفاده می‌کنند (فلسون و روسو^۶، ۲۰۰۸).

-
1. Walzer
 2. Connidis
 3. Brim
 4. Koch
 5. Chien liu
 6. Felson & russo

مطالعات طولی دان و کندریک (۱۹۸۲)، استیل ول (۱۹۸۳) نشان می‌دهد که تعامل‌های میان خواهر و برادرها در طول زمان ثابت است. کودکانی که با خواهر و برادرهای خود از ابتدای تولد رفتار دوستانه‌ای داشته‌اند سه یا چهار سال بعد نیز همین رفتار دوستانه را نسبت به او نشان می‌دادند و کودکانی که از همان آغاز تولد خواهر یا برادر خود به او بی‌اعتنا بوده‌اند در چند سال بعد رفتار پرخاشگرانه‌ای با او داشتند (نقل از ماسون، کیگان، هوستون و کانجر، ترجمه یاسایی، ۱۳۸۰). کیفیت تعاملات اولیه بین خواهران و برادران ممکن است در رفتار آتی کودکان تأثیرات دائم داشته باشد. روابط خصمانه‌ی خواهر و برادرها در سه و چهار سالگی با رفتار ضد اجتماعی در پنج سال بعد رابطه دارد. برعکس روابط نزدیک و محبت‌آمیز بین خواهر و برادرها باعث افزایش خصوصیات و واکنش‌های مطلوب بین آن‌ها می‌شود؛ از جمله برقراری ارتباط و حساسیت اجتماعی، همکاری و درک قوانین و نقش‌های اجتماعی (ریچمون، گراهام و استیونسون، ۱۹۸۲). رفتارهای پرخاشگرانه‌ی کودکان در صورتی که علت‌یابی و به شیوه‌ی مطلوبی بررسی و حل نشود، الگوی رفتاری فرزندان را در آینده شکل خواهد داد و بر رفتار و خلق و خوی آن‌ها تأثیر گذاشته و در آینده افرادی تند خو، عصبی، و بد اخلاق خواهند شد (بهشتیان، ۱۳۸۸). بنابراین، چنین پیامدهای آسیب‌زایی اهمیت مسئله مورد پژوهش را روشن می‌سازد. کودکی دوران بسیار حساسی است، در واقع در این دوران، پایه و اساس رفتارهای دوران بزرگ‌سالی گذاشته می‌شود. همچنین، انعطاف و تغییر در این سنین کودکی بیشتر است. در صورتی که اختلالات کودکان هرچه سریع‌تر زمینه‌یابی شود و متعاقب آن مداخلاتی صورت گیرد احتمال بهبود و اصلاح رفتارهای مخرب کودکان بیشتر خواهد بود. رفتار و عادات کودکان ثابت نیستند و همراه با رشد کودکان و با توجه به ویژگی‌های فردی و محیطی تغییر پیدا می‌کنند. در کنار این موارد، رفتاری وجود دارد که کودکان یاد می‌گیرند و به تدریج وارد شخصیت آنان می‌شود (خدا کرمی، ۱۳۹۱). همچنین بررسی‌ها نشان می‌دهند که آموزش والدین می‌تواند به تغییر روش تربیتی والدین و بهبود مشکلات رفتاری فرزندان بیانجامد.

هدف پژوهش حاضر بررسی توان پیش‌بینی سبک‌های فرزندپروری والدین و جنسیت کودکان به عنوان متغیرهای پیش‌بینی‌کننده‌ی میزان اختلاف و تعارض با خواهر و برادرها می‌باشد.

با توجه به اهداف مطرح شده فرضیات زیر قابل طرح‌اند.

- ۱- بین سبک‌های فرزندپروری پدر و مادر و تعارض دختر با خواهر رابطه وجود دارد.
- ۲- بین سبک‌های فرزندپروری پدر و مادر و تعارض دختر با برادر رابطه وجود دارد.
- ۳- بین سبک‌های فرزندپروری پدر و مادر و تعارض پسر با خواهر رابطه وجود دارد.
- ۴- بین سبک‌های فرزندپروری پدر و مادر و تعارض پسر با برادر رابطه وجود دارد.
- ۵- بین دختران و پسران از نظر تعارض با برادر تفاوت وجود دارد.
- ۶- بین دختران و پسران از نظر تعارض با خواهر تفاوت وجود دارد.

جامعه و روش نمونه‌گیری

بدین دلیل که رابطه‌ی سبک‌های فرزندپروری و جنسیت با اختلاف بین هم‌نیاها، بدون دست‌کاری و کنترل بر آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرند، در این پژوهش از روش مطالعه‌ی پس‌رویدادی استفاده شد. جامعه آماری شامل دانش‌آموزان دختر و پسر، مدارس دولتی، مقطع راهنمایی شهرستان رباط کریم در سال تحصیلی ۹۱-۹۰ می‌باشد. نمونه‌ی موجود از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شد. بدین صورت که از بین مدارس هر کدام از دو منطقه‌ی آموزشی دو مدرسه‌ی دخترانه و دو مدرسه‌ی پسرانه به صورت تصادفی انتخاب شد و در مرحله‌ی بعد از هر مدرسه سه کلاس با توجه به پایه‌ی تحصیلی آن‌ها انتخاب گردید. سپس با مراجعه به این کلاس‌ها ابتدا دانش‌آموزانی را که هم پدر و هم مادر در خانواده حضور داشته و حداقل یک خواهر یا یک برادر داشتند مشخص و پرسشنامه‌ها بین آنان توزیع شد. از هر کدام از این دانش‌آموزان خواسته شد یک پرسش‌نامه رابطه با خواهر یا برادر و در صورت داشتن خواهر و برادر، هر دو پرسشنامه را تکمیل نمایند، به هر کدام از آن‌ها دو پرسشنامه سبک

فرزندپروری به همراه یک پرسشنامه جمعیت شناختی داده شد تا پس از تکمیل توسط پدر و مادر برگردانده شود. حجم نمونه نیز با توجه به میانگین حجم پیشینه‌های موجود در این زمینه تعیین شده است. فایت^۱ (۲۰۰۹) در پژوهشی تحت عنوان تعارض و سلطه در روابط خواهر و برادرها، تعداد ۶۰ خانواده، الیدج (۲۰۱۰) در بررسی استراتژی‌های والدین در حل تعارضات بین کودکان در دوره دوم کودکی تعداد ۶۹ خانواده، ریچموند^۲ (۲۰۰۵) با مطالعه‌ی الگوی تعامل والدین با فرزندان و تأثیر آن بر الگوی تعامل بین فرزندان خانواده تعداد ۱۳۳ خانواده و چاین لیو^۳ (۲۰۰۶) تعداد ۶۲ خانواده را به منظور بررسی رابطه‌ی بین تعارضات زناشویی و تعارضات خواهر- برادری مورد مطالعه قرار دادند. پس از جمع‌آوری و حذف پرسشنامه‌های ناقص اطلاعات ۱۲۴ خانواده قابل استفاده بودند.

اطلاعات مورد نیاز از طریق چهار پرسشنامه جمع‌آوری شد. پرسشنامه روابط خواهر و رابطه با برادر^۴ IBR و RIS، پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری بامرید و یک پرسشنامه جمعیت شناختی.

الف) شاخص رابطه با برادر و رابطه با خواهر^۵: توسط والتر دابلیو، هودسون، گوردون مک نیل و جی دبیر کس^۶ طراحی شده است. شاخص رابطه با برادر و رابطه با خواهر دو ابزار ۲۵ سؤالی است که برای اندازه‌گیری میزان یا شدت مشکلات فرد در رابطه‌ی او با برادران و خواهران تدوین شده است. ابزارها یکسان‌اند به جز اینکه بسته به شخص مورد نظر فرد، از کلمه‌ی خواهر یا برادر استفاده می‌کند. این ابزار به ویژه برای کودکان سن ۱۲ سال به بالا طراحی شده است. نمره‌گذاری آن براساس مقیاس لیکرت و به صورت ۷ گزینه‌ای در نظر گرفته شده است. اولین برش نمره‌ی ۳۰ (ع) است که نمرات کمتر از آن نشانه‌ی عدم مشکل

1. Faith
2. Richmond
3. Chien Liu

۴- اقتباس از دکتر باقر ثنایی

5. Index of brother and sister Relations(IBR and ISR)
6. Walter W. Hudson Gordon MacNeil and j.Dierks

بالینی جدی در این زمینه است. دومین نمره برش ۷۰ است. نمرات بالاتر از این نقطه تقریباً همیشه دلالت بر این دارند که فرد در این رابطه استرس شدیدی احساس می‌کند و احتمال بارزی وجود دارد که برای حل مشکل فی مابین نوعی خشونت در این رابطه مورد استفاده است (ثنایی، ۱۳۸۷). برای ارزیابی اعتبار آزمون شاخص‌های ارتباط با برادر و خواهر با آلفای ۰/۹۰ از همسانی فوق‌العاده‌ای برخوردار است. شاخص‌های رابطه با برادر و خواهر با ضریب روایی ۰/۶۰ یا بیشتر، از روایی محتوایی، عاملی و سازه‌ای برخوردار است. (ثنایی، ۱۳۸۷).

ب) پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری بامرید^۱: این پرسشنامه در سال ۱۹۳۷ توسط دایانا بامرید ساخته شده است. این پرسشنامه حاوی ۳۰ جمله است، که ۱۰ جمله‌ی آن مربوط به شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه، ۱۰ جمله مربوط به شیوه مستبدانه و ۱۰ جمله نیز به شیوه اقتداری اختصاص دارد و به ترتیب از ۴-۰ نمره‌گذاری می‌شود. با جمع نمرات مربوط به هر شیوه سه نمره مجزا بدست می‌آید (زهراکار، ۱۳۸۷).

زهراکار (۱۳۸۷) میزان پایایی این پرسشنامه را با روش بازآزمایی ۰/۸۱ برای شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه، ۰/۸۶ برای شیوه استبدادی و ۰/۷۸ برای شیوه اقتداری به دست آورده که ضریب پایایی مناسبی هستند. بامرید برای بررسی اعتبار از روش اعتبار افتراقی استفاده کرد و نشان داد که مستبد بودن مادران رابطه معکوس (۰/۳۸-) با سهل‌گیری و رابطه (۰/۴۸-) با رفتار اقتداری دارد. در ایران نیز اسفندیاری (۱۳۷۸) روایی این آزمون را طبق نظر صاحب نظران روانشناسی گزارش داده و ذکر کرده که از روایی بالایی برخوردار است و پایایی این آزمون را برای شیوه‌های سهل‌گیرانه ۰/۶۹، برای شیوه استبدادی ۰/۷۷ و برای شیوه اقتداری ۰/۷۳ گزارش کرده است (به نقل از زهراکار، ۱۳۸۷).

یافته‌ها: اطلاعات موجود در جدول شماره (۱) از ۶۵ دانش‌آموز دختر و ۵۹ دانش‌آموز پسر در مقطع تحصیلی راهنمایی بدست آمده است که دامنه سنی آن‌ها بین ۱۳ تا ۱۶ سال است.

از بین دختران ۶۳ نفر پرسشنامه رابطه با برادر و ۵۲ نفر رابطه با خواهر را تکمیل نموده‌اند و از بین پسران ۴۹ نفر سؤالات رابطه با برادر و ۵۶ نفر رابطه با خواهر را پاسخ گفته‌اند.

جدول ۱. اطلاعات حاصل از پرسش‌نامه روابط خواهر- برادری به تفکیک جنسیت

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار
رابطه با برادر	۶۳	۵۰/۰۵	۰/۳۶۰
رابطه با خواهر	۵۲	۴۹/۶۳	۰/۳۲۲
رابطه با برادر	۴۹	۴۱/۴۴	۰/۱۰۳
رابطه با خواهر	۵۶	۴۲/۱۷	۰/۱۰۹

در این جدول اطلاعات مربوط به فراوانی هر کدام از طبقه‌ها به همراه میانگین و انحراف استاندارد آمده است.

جدول ۲. اطلاعات سبک‌های فرزندپروری پدر و مادر.

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار
فرزندپروری سهل‌گیرانه	۱۱۱	۱۶/۴۸	۶/۰۳
فرزندپروری سخت‌گیرانه	۱۱۱	۱۹/۷۲	۶/۱۱
فرزندپروری اقتداری	۱۱۱	۲۸/۵۴	۵/۵۶
فرزندپروری سهل‌گیرانه	۱۰۴	۱۶/۵۳	۶/۰۵
فرزندپروری سخت‌گیرانه	۱۰۴	۱۹/۸۳	۶/۰۲
فرزندپروری اقتداری	۱۰۴	۲۸/۷۲	۵/۵۲

در جدول شماره ۲ اطلاعات مربوط به سبک‌های فرزندپروری به تفکیک برای هر کدام از والدین نشان داده شده است. این اطلاعات مربوط به ۱۱۱ نفر مادران و ۱۰۴ نفر از پدران است. در جدول بعدی ماتریس همبستگی روابط خواهر- برادری و سبک فرزندپروری والدین آمده است.

جدول ۳. همبستگی بین سبک‌های فرزندپروری و روابط خواهر- برادری

فرزندپروری	فرزندپروری	فرزندپروری	فرزندپروری	فرزندپروری	فرزندپروری		
استبدادی مادر	سهل گیر مادر	اقتداری مادر	استبدادی پدر	سهل گیر پدر	اقتداری پدر		
رابطه با خواهر	رابطه با برادر						
$r = -0.189^{\circ}$	$r = -0.297^{**}$	$r = -0.119$	$r = -0.073$	$r = 0.102$	$r = -0.341^{**}$		
sig = 0.05	sig = 0.004	sig = 0.274	sig = 0.002	sig = 0.395	sig = 0.003		

* 0.05, ** 0.01

جدول (۳) ماتریس همبستگی بین متغیرهای موجود در پژوهش را نشان می‌دهد. براساس این نتایج شیوه‌های فرزندپروری اقتداری و سخت‌گیرانه با میزان اختلاف و درگیری بین کودکان رابطه معکوس دارد. یعنی هرچه قدر والدین در برخورد با فرزندان از الگوهای سخت‌گیرانه‌تر استفاده می‌کنند، فرزندان تعارضات کمتری با هم‌نیاهای خود گزارش داده‌اند. بین سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه و تعارضات بین هم‌نیاهای رابطه‌ی معناداری گزارش نشده است. برای تعیین سهم هر یک از متغیرها در تبیین میزان درگیری با خواهر و برادر از روش تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شد. فرضیات به تفکیک و با تبیین سهم هر کدام از متغیرهای پیشین در متغیر ملاک آمده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۴. خلاصه رگرسیون گام به گام مربوط به شیوه‌های فرزندپروری پدر و مادر و تعارض

دختر با خواهر

گام‌های تحلیل	متغیرهای وارد شده	R ²	تعدیل شده R ²	F	sig
۱	فرزندپروری دموکراتیک	۰/۱۲۵	۰/۱۰۵	۸/۶۵۱	۰/۰۱۳
	مادر				
۲	فرزندپروری دموکراتیک	۰/۲۷۸	۰/۲۴۶	۸/۸۴۵	۰/۰۰۱
	مادر				
	فرزندپروری استبدادی مادر				۰/۳۹۶

فرضیه اول: بین سبک‌های فرزندپروری پدر و مادر و تعارض دختر با خواهر رابطه وجود دارد. در گام اول تحلیل رگرسیون، فرزندپروری اقتداری مادر به تنهایی ۰/۱۲ از تغییرات مربوط به تعارض با خواهر را تبیین می‌کند. در گام دوم فرزندپروری استبدادی مادر به همراه متغیر قبلی ۰/۲۷ از تغییرات را تبیین می‌کند. با توجه به ضریب استاندارد (بتا) ضریب هر یک از متغیرها در معادله‌ی پیش‌بینی تعارض دختر با خواهر به ترتیب ۰/۳۵ و ۰/۴ است. این نتایج نشان می‌دهد مادران قدرت نفوذ بیشتری بر دختران خود دارند، همچنین الگوی فرزندپروری دموکراتیک مادر همبستگی بیشتری با کنترل روابط بین فرزندان دارد. هرچه مادر به صورت اقتداری تر برخورد نماید، دختران تعارضات کمتری را نسبت به خواهران خود گزارش داده‌اند.

جدول ۵. خلاصه تحلیلات رگرسیون گام به گام شیوه‌های فرزندپروری پدر و مادر و تعارض بین

خواهر با برادر

گام‌های تحلیل	متغیرهای وارد شده	R ²	تعدیل شده R ²	F	sig
۱	فرزندپروری دموکراتیک	۰/۲۰۷	۰/۱۹۲	۱۴/۰۷۷	۰/۰۰۰۱
	پدر				
۲	فرزندپروری دموکراتیک	۰/۲۷۹	۰/۲۵۲	۱۰/۲۶۳	۰/۰۰۰۱
	پدر				
	فرزندپروری استبدادی مادر				۰/۲۷۴

فرضیه دوم: بین سبک‌های فرزندپروری پدر و مادر و تعارض دختر با برادر رابطه وجود دارد. قوی‌ترین عامل پیش‌بینی‌کننده تعارضات دختر با برادر سبک فرزندپروری اقتداری پدر است. الگوی فرزندپروری اقتداری پدر با اختلاف و درگیری بین دختران و برادرشان رابطه معکوس دارد. فرزندپروری پدر با ضریب بتای ۰/۴۵، به تنهایی ۰/۲ از تغییرات تعارض دختر با برادر را تبیین می‌کند. در گام دوم فرزندپروری استبدادی مادر با ضریب بتای ۰/۲۷ به همراه متغیر قبلی ۰/۲۷ از تغییرات متغیر ملاک را تبیین می‌کند. سایر متغیرها به دلیل نقش و تأثیر کم از مدل پیش‌بینی حذف شده‌اند.

جدول ۶. خلاصه الگو رگرسیون گام به گام مربوط به متغیرها (متغیر پیش‌بینی شونده: تعارض بین پسر با خواهر)

گام‌های تحلیل	متغیرهای وارد شده	R ²	تعدیل شده R ²	F	sig
۱	فرزندپروری دموکراتیک پدر	۰/۲۶۵	۰/۲۴۵	۱۳/۶۷۷	۰/۰۰۱
۲	فرزندپروری دموکراتیک پدر	۰/۳۴۳	۰/۳۰۷	۹/۶۴۳	۰/۰۰۰۱
	فرزندپروری استبدادی مادر		-۰/۲۸۲		

فرضیه سوم: بین سبک‌های فرزندپروری پدر و مادر و تعارض پسر با خواهر رابطه وجود دارد. فرزندپروری دموکراتیک پدر در گام اول به تنهایی ۰/۲۴ از تغییرات متغیر ملاک را پیش‌بینی می‌کند. در گام دوم فرزندپروری استبدادی مادر به همراه متغیر اول ۰/۳ از تغییرات را تبیین می‌کند. ضریب بتا که بیانگر سهم هر کدام از متغیرها در تبیین تغییرات متغیر وابسته است به ترتیب ۰/۵۱- و ۰/۲۸ است.

جدول ۷. خلاصه الگوی رگرسیون گام به گام مربوط به متغیرها (متغیر پیش بینی شونده: تعارض

پسر با برادر)

گام‌های تحلیل	متغیرهای وارد شده	R ²	تعدیل شده R ²	F	sig
۱	فرزندپروری دموکراتیک پدر	۰/۱۰۸	۰/۰۸۴	۴/۵۸۷	۰/۰۳۹

فرضیه چهارم: بین سبک‌های فرزندپروری پدر و مادر و تعارض پسر با برادر رابطه وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد تنها عامل پیش‌بینی‌کننده قوی در ارتباط با شیوه‌های فرزندپروری والدین و تعارض برادر با برادر، الگوی فرزندپروری دموکراتیک پدر است که با ضریب بتا ۰/۳۲-، ۰/۸، از تغییرات متغیر ملاک را پیش‌بینی می‌کند.

جدول ۸. ارتباط جنسیت با تعارض خواهر- برادر

جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t	df	sig
رابطه با خواهر	۵۲	۴۹/۶۳	۱/۹۷	-۲/۱۳۸	۱۰۶	۰/۰۳۶
پسر	۵۶	۴۲/۱۷	۲/۴۳			
رابطه با برادر	۶۳	۵۰/۰۵	۱/۷۷	-۲/۶۲	۱۱۲	۰/۰۱۰
پسر	۴۹	۴۱/۴۴	۲/۲۴			

فرضیه پنجم: بین دختران و پسران از نظر اختلاف با خواهر تفاوت وجود دارد. نتایج آزمون t نشان می‌دهد که بین میانگین دو گروه پسر (۴۲/۱۷) و دختر (۴۹/۶۳) با اطمینان ۹۵ درصد تفاوت وجود دارد. به عبارتی دختران بیشتر از پسران میزان اختلاف با خواهران خود را گزارش داده‌اند.

فرضیه ششم: بین دختران و پسران از نظر اختلاف با برادر تفاوت وجود دارد. نتایج آزمون t نشان می‌دهد که دختران به احتمال ۹۹ درصد با نمره میانگین (۵۰/۰۵) بیشتر از پسران با نمره میانگین (۴۱/۴۴) با برادران خود اختلاف دارند. همچنین نتایج نشان می‌دهد که پسران بیشتر

اختلاف با برادران کوچک‌تر و دختران بیشتر اختلاف با برادران بزرگ‌تر و خواهران کوچک‌تر از خود را گزارش داده‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

از مجموع نتایج تحلیلات رگرسیونی می‌توان نتیجه گرفت که سبک فرزندپروری اقتداری پدر و مادر قوی‌ترین عامل پیش‌بینی‌کننده تعارضات بین کودکان است. وقتی والدین از الگوهای اقتداری در تربیت فرزندان استفاده می‌کنند عوامل ایجادکننده تعارضات و اختلاف بین آنها کاهش می‌ابد. بنابراین یافته‌ها تاییدکننده فرضیه‌های اول، دوم، سوم و چهارم بوده و همسو با یافته‌های پژوهش‌های پاترسون (۲۰۰۲)، ویلینگ و بلسکی (۱۹۹۲)، کاواباتا و همکاران (۲۰۱۱) و فتحی (۱۳۹۰) است که نشان داده‌اند سبک والدینی حمایت‌کننده و گرم با رابطه مثبت بین فرزندان در خانواده در ارتباط است.

علاوه بر این نشان می‌دهد که الگوی فرزندپروری والد همجنس با کودک قدرت بیشتری در کنترل و پیش‌بینی تعارضات بین فرزندان را دارد. فرزندپروری اقتداری پدر قوی‌ترین عامل پیش‌بینی‌کننده روابط بین برادران است. تعارضات بین دو خواهر بیشتر تحت تأثیر الگوی فرزندپروری مادران است، مادران به احتمال قوی‌تری بر دختران خود نفوذ دارند و پدران بر پسران خود. نکته‌ی دیگر اینکه فرزندپروری سخت‌گیرانه مادر نیز می‌تواند پیش‌بینی‌کننده تعارضات کمتر بین دو خواهر و خواهر با برادرش باشد. در توجیه این نکته می‌توان این‌گونه استدلال نمود که سخت‌گیری‌های مادر نسبت به فرزندان ممکن است رابطه عاطفی مادر با فرزندان را کمتر کند و این شرایط باعث شود خواهران و برادران بیشتر به همدیگر نزدیک باشند و عوامل تعارض آمیز بین آنها کاهش یابد.

در ارتباط با فرضیه‌های پنجم و ششم، یافته‌های این پژوهش تفاوت در تعارض بین هم‌نیاه را نشان می‌دهد ولی این تفاوت برخلاف نتایج تحقیقات چاین لیو (۲۰۰۶) است که نشان داد تعارضات بین برادر با برادر و برادر با خواهر فراوانی و شدت بیشتری نسبت به تعارضات بین دو

خواهر دارد. در توجیه تفاوت بین دختران و پسران از نظر اختلاف با هم شیرها می‌توان گفت که این یافته‌ها با تحقیقات کانیدیس (۱۹۹۸) همسو است. به اعتقاد کانیدیس دختران بیشتر از پسران احساسات خود را در روابط بروز می‌دهند. در ارتباط بین جنسیت و تعارضات بین کودکان، والدین عامل تأثیرگذاری هستند. والدین در درگیری بین کودکان بیشتر از کودکان کوچک‌تر حمایت نموده و با فرزندان بزرگ‌تر برخورد می‌کنند. ولی برخلاف اظهارات چاین لیو (۲۰۰۶) که معتقد است والدین به احتمال قوی‌تر فرزندان پسر را به خاطر درگیری با خواهرانشان تنبیه می‌کنند؛ به نظر می‌رسد در نمونه بررسی شده والدین در اختلاف بین فرزندان بیشتر از پسران حمایت می‌کنند. می‌توان گفت با توجه به فرهنگ جامعه ما و به ویژه در فرهنگ‌های سنتی والدین بین دختران و پسران تفاوت‌هایی قائل می‌شوند و بیشتر فرزندان پسر را مورد توجه قرار می‌دهند، این تبعیض‌ها و تفاوت‌ها زمینه‌ساز ناسازگاری و مشکل در روابط بین فرزندان خواهد بود. تبعیض بین کودکان باعث ایجاد حس رقابت و حسادت در کودکان می‌شود. والدین باید در برخورد با موقعیت‌های نابرابر بتوانند کودکان را نسبت به این شرایط قانع کنند. برای کاهش دعوا و اختلاف‌های بین خواهر و برادران لازم است کنترل و نظارت به همراه شیوه‌های متقاعدسازی بر رفتار والدین حاکم باشد. یعنی والدین در هر زمان از رفتار کودکان آگاه باشند، رفتار انحرافی آن‌ها را تشخیص دهند و سپس با روش‌های متقاعدسازی از جمله گفت و گو و آگاه‌سازی و روابط گرم و توأم با پذیرش با فرزندان برخورد کنند. کنترل و نظارت والدین و محدود کردن آزادی مکمل یکدیگر باشند.

چنانچه قبلاً گفته شد اختلاف بین هم‌نیاهای یک امر بدیهی است ولی آنچه این موضوع را مسئله‌ساز می‌سازد تداوم و تبدیل شدن آن به یک مشکل پایدار است که حاصل الگوی واکنش والدین با این مسئله است. با توجه به این پژوهش یکی از عوامل تعیین‌کننده نقش والدین الگوهای فرزندپروری و واکنش به تفاوت‌های جنسیتی بین فرزندان است. آموزش الگوهای فرزندپروری به والدین و نحوه برخورد با تعارضات بین کودکان و در نظر گرفتن

تفاوت‌های فردی و جنسیتی می‌تواند در کاهش عوامل زمینه‌ساز اختلاف و درگیری بین کودکان نقشی مؤثر داشته باشد.

منابع فارسی

- احمدی، سمیه؛ پاکدامن، شهلا و حیدری، محمود (۱۳۹۰). بررسی ارتباط سبک‌های فرزندپروری ادراک شده، راهکارهای دانستن و مباحثه طلبی دانشجویان. فصل‌نامه‌ی نامه‌ خانواده‌پژوهی. ۲۷، (۷)، ۳۵۵-۳۷۱.
- اسپانگین، پت و ریچاردسون، ویکتوریا (۲۰۰۵). کلیدهای تربیت کودکان و نوجوانان (راهنمای بهبود روابط خواهر و برادری). ترجمه‌ی ترجمه‌رئسی توسی (۱۳۸۶). تهران: صابرین.
- بهشتیان، محمد (۱۳۸۸). حسادت فرزندان- راهنمای حل مشکلات خواهر و برادری. تهران: مؤلف.
- پورعبدلی، محمد؛ کدیور، پروین و همایونی، علیرضا (۱۳۸۷). ارتباط بین شیوه‌های فرزندپروری با مکان کنترل و خودپنداره‌ی خودپنداره‌ی فرزندان. دانش و پژوهش در روانشناسی، دانشگاه آزاد خوارستان. شماره ۳۷.
- ثناپی، باقر. (۱۳۸۷). مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج. تهران: بعثت.
- خدا کرمی، فاطمه (۱۳۹۱، ۲۸ اردیبهشت). شیونت‌های کودکان را جدی بگیرید. ضمیمه‌ی روزنامه جام جم، ص ۳.
- دریکورس، رودلف (۲۰۰۰). روش‌های نوین رفتار با کودکان. ترجمه‌ی توتونچیان (۱۳۸۸). تهران: ناامن الاثمه.
- رضائیان، حمیدرضا؛ محسنی، نیک‌چهره؛ محمدی، محمدرضا؛ غباری بناب، باقر؛ سرمد، زهره؛ غلامعلی لواسانی، مسعود و مؤمنی، فرزاد. (۱۳۸۵). بررسی ارتباط مشکلات روانی، شیوه‌های فرزندپروری و رضایت زناشویی بر اختلالات سلوک نوجوانان. مجله‌ی پژوهشی حکیم. ۳، (۹)، ۳۲-۳۸.

- زهرا کار، کیانوش (۱۳۸۷). بررسی رابطه‌ی رابطه‌ی بین شیوه‌های فرزندپروری والدین و سلامت روانی نوجوانان. فصل‌نامه اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی. ۲، (۳). بهار ۱۳۸۷.
- کندی، میشل (۲۰۰۵). حسادت کودکان. ترجمه حسنا شم بیاتی، (۱۳۸۶). تهران:
- لطفی عظیمی، افسانه. (۱۳۸۹). رابطه‌ی شیوه‌های شیوه‌های ارتباطی مادر با رفتار پرخاشگرانه کودک. مجله‌ی مجله اندیشه و رفتار. ۱۷، (۵)، ۷۹-۸۹.
- لعی لعی‌فاز، احمد و عسکری، عباس علی. (۱۳۸۷). توان پیش‌بینی سبک‌های فرزندپروری ادراک شده و متغیرهای جمعیت شناختی بر احساس تنهایی دختران دانش‌آموز. فصل‌نامه اصول بهداشت روانی. ۳۷، (۱۰)، ۷۱-۷۸.
- ماسون، پاول هنری؛ کیگان، جروم؛ هوستون، آلتا کارول و کانجر، جان جین وی. (بی تا). رشد و شخصیت کودک (ویرایش ششم). ترجمه مهشید یاسایی. (۱۳۸۳)، چاپ پنجم. تهران: نشر مرکز، کتاب ماد.
- نوابخش، مهرداد و فتحی، سروش (۱۳۹۰). شیوه‌های فرزندپروری و سازگاری اجتماعی فرزندان. مجله پژوهش دینی. ۳۴.
- نوابخش، مهرداد و فتحی، سروش. (۱۳۸۸). شیوه فرزندپروری و سازگاری اجتماعی فرزندان. مجله پژوهش دینی. ۳۴-۶۴.
- نوابی نوابی‌نژاد، شکوه (۱۳۷۷). بهداشت روانی خانواده در استادان طرح جامع آموزش خانواده (۱۳۷۷) خانواده و فرزندان در دوره‌ی پیش‌دبستانی (فصل ۴). تهران: انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران.

منابع لاتین

- Aucoin, K.J, Frick, P.J & Bodin, S.D. (2006). Corporal punishment and child adjustment. *Journal of applied developmental psychology*. 27, 527-541.
- Brim, O.G. (1958). *Family structure and sex role learning by children*. *Sociometry*. 21, 1-16.
- Boyes, M.C. & Allen, s.G. (1993). *Styles of parent-child interaction and moral reasoning in adolescence*. *Marrill-parmer quarterly*. 39, 551-570.

- Bamrind, D. (1991). *parenting style and adolescent development*. In J. books-Guan, R.M.lerner
- Catuara, K. (2008). *Assessing the relationship between perceived parenting styles and high risk parenting attitudes*. Chicago, Illinois.
- Chaib and lori, Q. (2008). *Relationship between perceived parenting styles and personality disorders*. Chicago Illinois. June 17.
- Chien Liu, D. (2006). *Linkages between marital aggression and sibling conflict*. Requirements for degree doctor of philosophy psychology, University of southern California.
- Connidis, I.A. (1989). *Sibling as friends in later life*. American behavioral scientist. 33, 81-93.
- Dewairy, M. & Menshar, K.E. (2006). Parenting style, individuation and mental health of Egyptian adolescents. *Journal of adolescence*. 29, 103-117.
- Elledge, L.CH. (2010). *parents strategies in response to sibling conflict links to sibling relationship quality and childrens peer-reported adjustment*. requirements for the degree of doctor of philosophy in psychology, University of Arkansas.
- Farah, S. (2000). *Parents can keep siblings from fighting*. Christian science monitor. 92,196.
- Faith, M.A. (2009). *Conflict and dominance across setting relation between sibling conflict sibling dominance and peer victimization*. Requirements for the degree of master of arts in psychology, university of Florida.
- Felson, R.B. & Russo, N. (2008). *Parental punishment and sibling aggression*. Social psychology quarterly. 51,11-18.
- Gastel, W.V, Legerstee, J.S, & Ferdinand, R.F. (2009). The role of perceived parenting in familial aggregation of anxiety disorder in children. *Journal of anxiety disorders*. 23,4-53.
- Gallarín, M. & Alonso-Arbiol. (2012). Parenting practices, parental attachment and aggressiveness in adolescence. *Journal of adolescence*.xxx, 1-10.
- Huver, R.M.E.Otten, R.De Vries, H,Engels, R.C.M.E. (2010). Personality and parenting style in parents of adolescents. *Journal of adolescence*.
- Karreman, A., Haas, S., Tuijl, C., Aken, M. & Dekovic, M. (2010). *Relation among temperament parenting and problem behavior in young children*. Infant behavior & development. 33, 39-49.
- Kavabata, Y. Lenneke, R. A. Tseng, W. L. Marinus, H.Van, Ijzendoorn. Nici R, Crick.(2011). Marital and paternal paternnig styles associated with relational aggression in children and adolescent. *Developmental Review*. 31, 240-278
- Koch, H. L. (1960). *The relation of certain formal attributes of siblings to attitude held toward each other and toward parents*. Monographs of the society for research in child development. 25, 1-134.
- Law, D.M., Shapka, J.D. & Olson, B.F. (2010). *To control or not control? Parenting behaviors and journal of computers in human behavior*. 26,1651-1656.
- Patterson, G.R. (2002). *"The early development of coercive family process*.

- Recchia, H.E. (2009). *Explaining variability in sibling conflict resolution strategies during middle childhood*. For the degree of doctor of philosophy at Concordia university montreal Canada.
- Richman, N., Graham, P. & Stevenson, J. (1982). *preschool to school: a behavioral study*. American press.
- Reese-Weber, M. (2000). *Middle and late adolescents conflict resolution skill with sibling: associations with interparental and parent-adolescent conflict resolution*. Plenum publishing corporation. 29,6,697-711.
- Roopnarin, J.L., Krishnakumar, A, Dogan, A.M., Evans, M. (2006). *Links between parenting styles, parent-child academic interaction, parent-school interaction, and early academic skills and social behaviors in young children of English-speaking Caribbean immigrants*. Early childhood research quarterly. 21,238-252.
- Tazvin. I Zahid.M. (2009) Relationship between perceived parenting styles and levels of depression anxiety and frustration tolerance in female students. Pakestan journal of psychological research. Summer 2009.
- Volling, B.L. and J. Belsky (1992). "The Contribution of Mother-Child and Father-Child Relationships to the Quality of Sibling Interaction: A Longitudinal Study." Child Development 63(5):1209-1222.
- Walzer, M. (1997). *On toleration*, Cambridge Univ Press.